

بسته برای نمایندگان است .

**ادیب التجار** - آقای عزالمملک چندین مرتبه تشریف آوردند و معاذیر صحیحه خودشان را اظهار کردند ولی تا این ساعت که زنک زدند و ما حاضر شدیم بنده اطلاع ندارم که اکثریت کمیسیون رأی به تشریف بردن ایشان داده باشد و اما عقیده ام در باب آقای عزالمملک این است که عرض میکنم چندین نفر دیگر هم از وکلا هستند که استدعای مرخصی کرده اند از مجلس و اگر اینها را تصویب کنیم دچار اشکال خواهد شد برای کافی شدن عده و آقایان نمایندگان هم تشریف داشتن ایشانرا در مجلس خیلی اهمیت میدهند و گمان میکنم که ایشان هم با عقیده بنده شریک باشند و اگر هم ضررهای فوق العاده بایشان میخورد در این موقع از مجلس تخلفی نکنند .

**سلیمان میرزا** - در صورتی که مخبر کمیسیون عرایض اظهار کردند که نمی دانم این عریضه در کمیسیون با اکثریت گذشته است یا خیر این چه رای پورتی است که داده شده است .

رئیس - ایشان مخبر نیستند .

**سلیمان میرزا** - علاوه بنده یاد آوری میکنم محظورانیکه ماه روز چهار هستیم و آن تکمیل نشدن عده است با آن سختیکه در قانون اساسی نوشته شده است که باید عده اشخاصی که عضو مجلس هستند و موقع مذاکره و اخذ رأی بدوثلث و سه ربع برسد و یکمده ما داریم که عضو مجلس هستند و تکلیف را معلوم نکردند مثل آقای اسید علی آقا و بعضی آقایان دیگر و مثل آقای شیخ جعفر مازندرانی که عضو هستند و هنوز تشریف نیاورده اند و ما مجبوریم که آنها را جزهاشخاص حاضر مجلس فرض کنیم و دو ثلث و سه ربع را با آنها محسوب کنیم این است که یک اشکالی پیدا میشود در صورتیکه ما این محظور را داریم و این عده هم که لا علاج حاضر نمیشوند و باید هر روز آنها را اعضای حاضر حساب کنیم حالا بر فرض یک جماعتی هم بواسطه مرخصی بر آنها بیفزائیم وقتیکه افزودیم آنوقت باید روزها رئیس ساعت سه قبل از غروب که وقت انقضاء تعیین میکنند و اینیکه یک جماعتی تا ساعت دو ونیم حاضر شوند و عده کافی شود بواسطه یک نفر .

**بهجت** - روز یکشنبه آقای عزالمملک تشریف آوردند بکمیسیون عرایض آقای ادیب التجار هم تشریف داشته و دلایل خودشان را ذکر کردند و حتی اینکه برای اینکه مطلب خوب خاطر نشان آقایان شود میخواستند تقاضای مجلس خصوصی کنند و امروز صبح که این رای پورت نوشته شده بود کمیسیون فوق العاده تشکیل شد چون کمیسیون فوق العاده شده بود و بنده مسبوق نبودم بعد آقای رئیس کمیسیون بنده نوشتند کمیسیون فوق العاده تشکیل و در باب مرخصی آقای عزالمملک گفته و گو شده و با اکثریت تصویب شد رای پورتش را بدهید و خودم هم عقیده ام این است که مرخصی ایشان را تصویب نمایند .

**عزالمملک** - باز بدبختانه مثل اکثری از موارد مجبور شدم اعتراض نمایم در موقعیکه رای پورت کمیسیون عرایض راجع بمرخصی نماینده بمجلس میآید چرا باید مثل یک ماده قانون بسیار مهمی مطرح مذاکره

شود اگر بنده توضیحی ندهم و شرح حال خود را عرض نمایم کدام يك از آقایان نمایندگان دردهای بنده را میدانند بنده وقتیکه بنمایندگی انتخاب شدم کارهای شخصیم خیلی پریشان بود و عشق زیادی داشتم که زودتر باین مکان مقدس شرفیاب شوم و از مرکز هم تأکید میشد که نمایندگان زودتر در مرکز حاضر شوند برای اینکه مجلس افتتاح شود باینجهت بنده هیچ چیز مانع قرار ندادم و با کمال عجله و شتاب آمدم و از آنوقت تا کنون هر قدر اهتمام کردم کارهای شخصیم اصلاح شود نشد و اگر چه نمیخواهم عرض کنم که مجبورم نمودم لابد مکنون خاطر خودم را عرض نمایم بنده اینطور استنباط می کنم که یکوقتی بالاستعفا از مجلس بیرون میروم و چون پس از استعفا نمیتوانم بگردستان بروم بجهت اینکه موکلین بنده از من جهت استعفا را می پرسند اگر مواعظ و معایب کار را بیان بکنم خیانت است زیرا که خیال صاف آنها مشوب میشود و اگر معایب و جهت استعفا را نگویم در واقع مثل این است که خود را تخطئه کرده باشم و نیز نمیتوانم در جای دیگر تعیین نمایم زیرا امورات شخصیم تصفیه نشده است پس مجبورم که اجازه مرخصی از مجلس مقدس خواسته بولایت رفته کارهای شخصی را اصلاح کرده معجلا مراجعت نمایم آنوقت حال از سه فقره خارج نیست یا وضع را بهتر از حالیه می بینم یا مثل حالا یا خدای نکرده بدتر در صورت اول که منتهای خوش بختی است بنده و همکارانم دوره و کالت را با آخر رساننده نام بزرگی تحصیل مینمائیم در صورت دوم مثل حالا که ما یوس نیستیم مشغول خدمت میشویم در صورت سیم هر وقت دیدم به منتهی درجه باس رسیدم با کمال بدبختی و تأسف استعفا میدهم و چون روی برگشتن گردستان راندارم میروم در يك جای دنیا زندگی مینمایم .

**رئیس** - رأی میگیریم کسانیکه بارای پورت کمیسیون که مرخصی دو ماهه آقای عزالمملک را تصویب کرده موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و با اکثریت تصویب شد) .

**رئیس** - جلسه آتیه روز شنبه و دستور آن از اینقرار است - شور در بقیه قانون محاسبات عمومی - شور ثانی در امتیاز طلا شویی کوه زر - اگر وقت باشد رای پورت کمیسیون خارجه راجع به استخدام بلژیکی .  
مجلس نیمساعت بغروب مانده ختم شد .

**جلسه ۱۷۸**  
**صورت مذاکرات روز شنبه ۱۶ شهر ذی قعدة الحرام ۱۳۲۸**  
مجلس دو ساعت و بیست دقیقه قبل از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای ذکاء المملک تشکیل شد .  
صورت مجلس روز پنجشنبه را آقای معاضد المملک قرائت نمود .  
(غائبین جلسه قبل) قوام الاسلام - حاجی میرزا آقا - نویری - آقاسید محمد رضا مسوات - آقاسید علی آقا - حاجی وکیل الرها یا بدون اجازه - حاج محمد کریم خان قشقایی مرتضی قلیخان بغتباری با اجازه غائب - آقایان فهیم المملک - طباطبائی - حاج آقا - شهسوار اعظم - سردار اسعد - حاجی امام جمعه - ناصر الاسلام در وقت مقرر حاضر نشده .  
وکیل التجار - تربیت - لوا - الدوله - حاجی میرزا -

زین العابدین قمی مریض بودند .  
**رئیس** - در باب صورت مجلس ملاحظاتی اگر هست بفرمائید .

**ناصر الاسلام** - بنده را نوشته اند که در وقت مقرر حاضر نشده ام ولی بنده تعجب دارم در ساعت سه ونیم از وقت مقرر نیمساعت زودتر آمدم و در اواخر مجلس چون کسالت داشتم از رئیس کتباً اجازه خواستم و رفتم اینقدر اشتباه تا این اندازه نمیشود .

**فهیم المملک** - اینکه نوشته اند از موقع مقرر دیر آمده ام هیچ در نظر ندارم و بیش از وقت حاضر بودم دیگر اینکه در قانون محاسبات عمومی گویا خوانده شد که تا ماده ۲۴ رأی گرفته شدو حال آنکه تا ماده ۴۴ رأی گرفته شد .

**معاضد المملک** - خبر تا ماده ۴۴ نوشته شده است بنده هم میخواستم عرض کنم همه روز در صورت مجلس اسامی غائبین مسافری که بدون اجازه مسافرت کرده اند نوشته میشود بنده خواستم عرض کنم که هیچ فایده ندارد این را در روزنامه ها بنویسند در صورت مجلس همان اسامی اشخاصی که حاضرند در طهران و غیبت میکنند نوشته شود که اینقدر تصبیح وقت مجلس نشده باشد (گفته شد صحیح است) (چون اظهاری نشده رئیس صورت مجلس را امضاء نمود) شروع بشور در قانون محاسبات عمومی گردید (محاسبات کل مالیه) ماده ۴۶ وزیر قرائت شد کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود (ماده ۴۵) وزیر مالیه در آخر هر سنه مالیه صورت محاسبات کل سنه ماضیه را تهیه نموده و منتهی تا چهار ماه از سال گذشته بمجلس شورای ملی و دیوان محاسبات تقدیم مینماید این حساب که مبنای اصلی لایحه قانونی تقریر بودجه خواهد بود باید شامل تمام عملیات راجعه بوصول و مصرف و جوه دولتی و حاجکی از کیفیت امور عایدات و مخارج از اول سال تا آخر سال بودجه باشد مستند این حساب مواد مشروحه ذیل است .

اول حساب مالیات و عایدات عمومی - این حساب بترتیب سال و دوره عمل و اقسام عایدات باید فقرات ذیل را حاوی باشد (الف) حقوق تحقیقی دولت (ب) وجوهیکه از این بابت وصول شده است (ج) بقیه وجوهیکه باید وصول شود ثانیاً حساب مخارج عمومی - این حساب باید به نسبت سال و دوره عمل وزارتخانه و فصول و مراتب ذیل را تعیین کند (الف) حقوق ثابتة دائنین دولت که در ازای خدمات انجام یافته عرض سال است (ب) وجوهیکه از بابت این حقوق پرداخته شده است (ج) تنه مخارجیکه باید پرداخته شود (ثالثاً حساب خزانه - این حساب باید مسائل ذیل را متضمن باشد (الف) وجوهیکه مابین محاسبین و تجویلداران دولت رد و بدل میشود (ب) صدور استرداد مسکات خزانه که بوعده است مستند این حساب صورت مطالبات و دیون اداره مالیه و صورت قروض جاریه دولت خواهد بود رابعاً - حساب بودجه ها - این حساب عبارت است از يك صورتی که کیفیت قطعی و تحقیقی دوره عمل منقضیه و موقتی دوره عمل جاریه در آن مصرح باشد در این حساب باید از یکطرف در جزء بودجه عایدات میان عایدات تغذینی و حقوق تحقیقی دولت با وجوهیکه از این بابت وصول شده است از طرف دیگر در جزء بودجه مخارج و بیان اعتبارات و حقوق تحقیقی دائنین دولت با وجوهیکه بموجب حواله و ابلاغ و وزراء پرداخته شده است مقایسه بعمل آید .

**حاجی سید ابراهیم** - در اینجا میگوید منتهی تا چهار ماه از سال گذشته به مجلس

شورای ملی و دیوان محاسبات تقدیم مینماید ظاهرش این است که يك صورت می نویسد می دهد بمجلس يك صورت هم میدهد بدیوان محاسبات لکن قانون دیوان محاسبات که يك شورش هم گذشته است دريك ماده آن نوشته است حسابهای وزارتخانهها با محاسبات کل مالیه در صورت تطبیق و بعد از رسیدگی تفریغ مینماید و همچنین در قانون اساسی هست که تفکیک محاسبات و رسیدگی بکلیه محاسبات دولتی از وظیفه و حق دیوان محاسبات ذکر شده است بعد بمجلس شورای ملی تقدیم بکنند و یکی دیگر این عبارت که میگوید «و را با محاسب بودجه ها - این حساب عبارت است از یک صورتی که کیفیت قطعی و تحقیقی دوره عمل منقضیه و کیفیت موقتی» لفظ موقتی که مقابل تحقیقی است لفظ است باید در مقابل تحقیقی لفظ تقریبی هم نوشته شود بجهت اینکه موقتی منابل دائمی است نه تحقیقی.

**فهییم الملک** - چون این ماده دارای چند جزء مختلف است باین جهت استدعا میکنم در جزء بجزء داخل مذاکره شویم تا درست ملتفت شوند و حالا در این مسئله که فرمودید که دیوان محاسبات باید قبل از مجلس شورای ملی بيك حسابی برسد و بعد از رسیدگی دیوان محاسبات باید بیاید بمجلس آن يك چیزی است که در ضمن شور ثانی قانون دیوان محاسبات توضیح داده خواهد شد آن این حسابها نیست حسابهای است که باید بیاید بمجلس یعنی باید بیاورند مثل قانون بودجه بمجلس و مجلس در آن رأی بدهد این حسابهای که مقدمه و قبلا وزراء بمجلس شورای ملی میدهند و بطبع میرسد و بین و کلا منتشر میکنند آن برای اینست که وقتی بمجلس شورای ملی میآید معطل نشوند و زود بتوانند در آن رأی قطعی بدهند اینها تمام برای رسیدگی است و بعد از این يك حساب دوره عمل پس هیچ تفاوتی نخواهد کرد از اینکه بنویسیم در آخر يك سال حساب وزراء یا حساب دوره عمل یکی هم حساب سنه مالیه است که سال که ختم میشود میدهند باقی چیزها چیزی است که در این قانون خواهد آمد و خوب است بجای اینکه وزیر مالیه در آخر هر سنه مالیه صورت حساب را میدهد نوشته شود صورت محاسبات کل سنه ماضیه را و آن واضح تر میشود یعنی آن حسابرا تهیه میکنند تا چهار ماه از سال گذشته بمجلس می دهد با این شرایطی که جزء بجزء بمجلس داده است اصلاح عبارتی از طرف حاجی شیخ علی بمضمون ذیل پیشنهاد شد - وزیر مالیه در اول هر سنه مالیه صورت محاسبات کل سنه ماضیه را تهیه نموده و منتهی تا چهار ماه از سال گذشته بمجلس شورای ملی تقدیم می نماید این صورت حساب که مبنای لایحه قانونی تفریغ بودجه خواهد بود باید شامل عملیات راجعه بوصول و مصرف وجوه دولتی چه از سنه مالیه و چه از دوره عمل بوده باشد.

**حاجی سید ابراهیم** - این فرمایش آقای مخبر را نفهمیدم بجهت اینکه بمجلس شورای ملی باید در وقتی پیشنهاد شود که محل حاجت است برای مجلس و بس اینجا ابدأ لفظ مجلس شورای ملی را

نباید نوشت بجهت اینکه اینجا نوشته بمجلس شورای ملی و دیوان محاسبات تقدیم میکنند بنده عرض میکنم در صورتی که محتاج برای نیست نباید بمجلس شورای ملی تقدیم نماید و دیگر اینکه آقای مخبر می فرمایند که در ضمن شور ثانی قانون دیوان محاسبات توضیح میشود بنده عرض میکنم در هر دو شور اول شده است و شور ثانی او باقی است و الان حال آن لایحه دیوان محاسبات باحال این قانون محاسبات عمومی یکی است بجهت اینکه شور ثانی هر دو باقی مانده و مطابق با دیوان محاسبات است و حساب تفریغ هیچیک از هم تفکیک نمی شود مگر باین رسیدگی ها و آرا حق دیوان محاسبات قرار دادیم و بنده عرض میکنم که آنجا نوشته شود منتهی تا چهار ماه از سال گذشته به مجلس شورای ملی تقدیم می کند وقتی که محتاج برای باشد و اینجا محتاج برای مجلس شورای ملی نیست.

**فهییم الملک** - در قانون اساسی قید میکنند که «دیوان محاسبات مأمور معاينه و تفکیک محاسبات اداره مالیه و تفریغ حساب کلیه محاسبین خزانه است معلوم است محاسبات کلیه محاسبین راجع بحساب دولتی است دیوان محاسبات با وزراء طرف نمی شود که وزراء را بیاورند در دیوان محاسبات و حساب آنها را برسد ولی حساب وزارتخانه ها که دست محاسبین است می آورد یکی به یکی رسیدگی می کند يك تکلیفی دارد دیوان محاسبات از وزارتخانه ها آن حسابهای که بدیوان محاسبات می دهند چنانچه عرض شد باید از روی اسناد و صورتی که محاسبین جزء وزارت مالیه میدهند با این حسابهای که در آخر هر دوره عمل طبع و نشر میکنند با آن حسابها این حسابهای جزء را مقایسه نکنید یعنی به پیشیند همین طور است یا خیر و همین کاری است که نمایندگان باید در مجلس بکنند یعنی آن صورت حساب مخارج را که وزراء طبع و نشر کردند و بو کلا دادند برای چیست؟ برای مطالبه کردن این کار هست با همدیگر از برای رسیدگی کردن موقتی که آن لایحه قانونی تفریغ بودجه بیاید اینکه گفتند برای همین است این مقابل این حسابهای است که در سه ماده پیش خواندیم و گفتیم که باید بمجلس شورای ملی بدهند.

**بجهت** - اینجا و اشکال شده و بنظر بنده هر دو صحیح است اولاً اینجا دارد «وزیر مالیه در آخر هر سنه مالیه صورت محاسبات کل سنه ماضیه را تهیه نموده اگر اینطور باشد آنوقت به نسبتی که ما حساب می کنیم مثلا در آخر ۱۳۲۸ حساب سنه ۱۳۲۷ را بدهد باینکه مقصود این نبوده مقصود اینست که در آخر هر سنه مالیه حساب همان را بدهد این عبارت ناقص است و یکی دیگر اشکالی که آقای حاجی سید ابراهیم فرمودند معلوم است یعنی اگر از محاسبات عمومی گذشته باشد و در آن اگر نظرانی که لازم است نشده باشد باید بدیوان محاسبات و اگر مقصود اینست که يك صورتی بدیوان محاسبات بدهند يك صورت هم بدهند بمجلس این معلوم است يك چیز قانونی نیست بجهت اینکه چیزی که اهمیت دارد بعد

از آنکه آمد بمجلس و تصویب شد آنوقت باید بدهند بدیوان محاسبات.

**فهییم الملک** - اینجا اشتباه فرمودید این محاسباتی که آنجا میدهند این آن نیست آن يك مطلب دیگری است که ذکر می شود ربطی بآن مطلب ندارد این صورت حساب وزارت مالیه است و در حقیقت حساب عایدات و مخارج دوره عمل است و این حساب سنه مالیه یعنی حساب صندوق است در آخر سال وزارت مالیه باید بگوید که در عرض این سال چقدر پول بدست من آمد و چقدر خرج شد و بهمین نلفظی که ( امور عایدات و مخارج از اول سال تا آخر سال ) کو یا شامل اینها باشد که فرضا از بابت تخاقوی ثبت گرفته شد فلانقدر و از بابت قوی ثبت فلانقدر و از بابت ثبت فلانقدر رویهم فلانقدر خرج شده آنچه از بابت دوره عمل حساب شده چقدر بود و آنچه از بابت سنه مالیه حساب شده چقدر است این برای اینکه حساب یکساله او را بدانند و محاسبین باید دخل و خرج را نگاهدارند و معلوم است که وقتی که دو فقره از این حساب را بیاوریم هم گذاشتند کار محاسبات مرتب خواهد شد و این ربطی بآن لایحه قانونی تفریغ بودجه که دیوان محاسبات باید رسیدگی کند و بمجلس بیاید ندارد محاسبات کل را که به دست نمایندگان دادند آنوقت می توانند حساب کل دو ساله را با همدیگر تطبیق کنند و حساب يك دوره عمل وزراء را از روی آن تصویب یابد کنند

**حاج شیخ علی خراسانی** - یکمبارتی در آخر این پیشنهاد بنده بود که راجع باین بود که هم در آخر سنه مالیه باشد هم در اول آن و آن پیشنهاد کمیسیون که در اینجا قید شده است مبهم است و عبارتی را که بنده پیشنهاد کرده ام عین همین ماده است فقط يك اصلاح عبارتی است که درست واضح شود و مطلع شوند و در همان پیشنهاد رأی بگیریند بهتر است.

**فهییم الملک** - اینجا نوشته است که حاکی از کیفیت عمل و مخارج از اول سال تا آخر سال بوده باشد دیگر شرح نمیدهد که حکماً مال آن سال باشد و بعد که در ذیل آن شرح میدهند ( حساب مالیات و عایدات عمومی ) این حساب بترتیب سال و دوره عمل و اقسام عایدات فقرات ذیل را حاوی باشد.

**مشیر الدوله** - اینجا در حساب خزانه می گوید (۱) وجوهی که مابین محاسبین و تحویلداران دولت ردو بدل میشود - اینجا اشتباه شده است باید نوشته شود ( وجوهی که ما بین تحویلداران ردو بدل میشود )

**فهییم الملک** - محاسبین در اینجا زیادی است مابین تحویلداران ردو بدل میشود کامی است.

**حاج شیخ علی خراسانی** - در فقره ثالث در جزء ثانی صدور استرداد تمسکات بنده معنیش را نفهمیدم ( گفته شد صدور استرداد ) بعد از اصلاح ماده مزبور بقرار ذیل مجدداً قرائت شد

ماده ۴ وزیر مالیه در اول هر سنه مالیه صورت محاسبات کل

سه ماهه را تهیه نموده و منتهی تا چهارماه از سال گذشته مجلس شورای ملی و دیوان محاسبات تقدیم می نماید این حساب که مبنای اصلی لایحه قانونی تفریح بودجه خواهد شد باید شامل تمام عملیات راجعه به وصول و مصرف وجوه دولتی و حاکمی از کیفیت امور عایدات و مخارج اذاول سال تا آخر سال بوده باشد مستند این حساب مواد مشروحه ذیل است .

اولا حساب مالیات و عایدات عمومی - این حساب بترتیب سال و دوره عمل و اقسام عایدات باید فقرات ذیل را حاوی باشد (۱) حقوق تعقیفی دولت

(ب) وجوهیکه از این بابت وصول شده است ( ج - بقیه وجوهیکه باید وصول شود ثانیاً حساب مخارج عمومی - این حساب باید به نسبت سال و دوره عمل و وزارت خانه و قسول و موارد مراتب ذیل را تعیین کنند (۱) حقوق ثابت دائنین دولت

که در ازای خدمات انجام یافته عرض سال است (ب) وجوهیکه از بابت این حقوق پرداخته شده است (ج) تمه مخارجی که باید پرداخته شود (ثالثاً حساب خزانه - این حساب باید مسائل ذیل را متضمن باشد ( ۱ ) وجوه و حساب بین محاسبین و تجویذات دولت رد و بدل میشود ( ب ) صدور استرداد تسکات خزانه که بوعده است. مستند این حساب صورت مطالبات و دیوان اداره مالیه و صورت قروض جاریه دولت خواهد بود (رابعاً حساب بودجه ها ) این حساب عبارت است از يك صورتیکه کیفیت قطعی و تحقیقی دوره محمل منقضیه و کیفیت تقریبی و دوره عمل جاریه در آن مصرح باشد در این حساب باید از یکطرف درجه عایدات میان عایدات تخمینی و حقوق تعقیفی دولت با وجوهیکه از این بابت وصول شده است از طرف دیگر درجه بودجه مخارج میان اعتبارات و حقوق تعقیفی دائنین دولت با وجوهی که بموجب حواله و ابلاغ وزراء پرداخته شده است مقایسه عمل آید .

رئیس - رای میگیریم کسانیکه باماده ۴ بطریقی که خوانده شده موافق قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند و تصویب شد )

ماده ۴۷ وزیر قرائت شد کمیسیون اینطور پیشهاد کرده بود ( ماده ۴۶ وزیر مالیه صورت حسابی که جامع فقرات ذیل باشد همه ساله تهیه نموده و طرح و تصویب شود ) ( ب ) صورت تأسیسات غیر معدنات عمومی است [ ب ] صورت تمام اموال غیر منقوله دولتی که مخصوص يك اداره دولتی یا تأسیسات عمومی نیست ( ج ) شرح تغییراتی که در عوض سال در املاک سابق الذکر بهم میرسد .

ماده ۴۷ وزیر قرائت شد کمیسیون اینطور پیشهاد کرده بود ( ماده ۴۶ وزیر مالیه صورت حسابی که جامع فقرات ذیل باشد همه ساله تهیه نموده و طرح و تصویب شود ) ( ب ) صورت تأسیسات غیر معدنات عمومی است [ ب ] صورت تمام اموال غیر منقوله دولتی که مخصوص يك اداره دولتی یا تأسیسات عمومی نیست ( ج ) شرح تغییراتی که در عوض سال در املاک سابق الذکر بهم میرسد .

ماده ۴۷ وزیر قرائت شد کمیسیون اینطور پیشهاد کرده بود ( ماده ۴۶ وزیر مالیه صورت حسابی که جامع فقرات ذیل باشد همه ساله تهیه نموده و طرح و تصویب شود ) ( ب ) صورت تأسیسات غیر معدنات عمومی است [ ب ] صورت تمام اموال غیر منقوله دولتی که مخصوص يك اداره دولتی یا تأسیسات عمومی نیست ( ج ) شرح تغییراتی که در عوض سال در املاک سابق الذکر بهم میرسد .

ماده ۴۷ وزیر قرائت شد کمیسیون اینطور پیشهاد کرده بود ( ماده ۴۶ وزیر مالیه صورت حسابی که جامع فقرات ذیل باشد همه ساله تهیه نموده و طرح و تصویب شود ) ( ب ) صورت تأسیسات غیر معدنات عمومی است [ ب ] صورت تمام اموال غیر منقوله دولتی که مخصوص يك اداره دولتی یا تأسیسات عمومی نیست ( ج ) شرح تغییراتی که در عوض سال در املاک سابق الذکر بهم میرسد .

ماده ۴۷ وزیر قرائت شد کمیسیون اینطور پیشهاد کرده بود ( ماده ۴۶ وزیر مالیه صورت حسابی که جامع فقرات ذیل باشد همه ساله تهیه نموده و طرح و تصویب شود ) ( ب ) صورت تأسیسات غیر معدنات عمومی است [ ب ] صورت تمام اموال غیر منقوله دولتی که مخصوص يك اداره دولتی یا تأسیسات عمومی نیست ( ج ) شرح تغییراتی که در عوض سال در املاک سابق الذکر بهم میرسد .

فقرات ذیل است یکی دیگر آنقره چهارمیش که مینویسد (صورت امتیازاتیکه در عرض سال بموجب قانون داده شده است در واقف امتیازات آنچه که راجع است به مالیه حقوق امتیازات دولت است وزارت فواید عامه باید این صورت حساب را داشته باشد و اگر لازم باشد او باید بمجلس بدهد و این ابتدا ربطی بوزارت مالیه ندارد و ربطی بعقود هم ندارد یکی هم اینجا می نویسد (صورت امتیازاتیکه در عرض سال بموجب قانون داده شده است ) آن امتیازات باید بتوسط فواید عامه اداره شود و صورت خود امتیازات را از وزارت فواید عامه باید بخواهند .

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فقرات ذیل است یکی دیگر آنقره چهارمیش که مینویسد (صورت امتیازاتیکه در عرض سال بموجب قانون داده شده است در واقف امتیازات آنچه که راجع است به مالیه حقوق امتیازات دولت است وزارت فواید عامه باید این صورت حساب را داشته باشد و اگر لازم باشد او باید بمجلس بدهد و این ابتدا ربطی بوزارت مالیه ندارد و ربطی بعقود هم ندارد یکی هم اینجا می نویسد (صورت امتیازاتیکه در عرض سال بموجب قانون داده شده است ) آن امتیازات باید بتوسط فواید عامه اداره شود و صورت خود امتیازات را از وزارت فواید عامه باید بخواهند .

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

فهرم الملک - این دو فقره حذف میشود

کدر شور اول و در اینجا گذشته و رأی دادند باید حکماً حذف کنند و بنده پیش از این حرفی ندارم.

**مؤتمن الملک** - این ایراد را بنده خودم در شور اول قانون محاسبات عمومی کردم ولی در کمیسیون اینرا اصلاح کردم اینجا دوقره مطلب است که باید اصلاح شود یکی حسابهاست که وزراء مجلس میدهند مجلس باید ببیند که آن حسابها با آن چیزیکه در دفاتر خودشان در وزارتخانه هست مطابق است یا خیر یک کمیسیون معین میکنند برود تطبیق کنند ببینند مطابق است یا مطابق نیست کار دیوان محاسبات چیز دیگر است دیوان محاسبات از روی اسنادیکه تحویلداران و محاسبین بدیوان کفیر میفرستند از روی آنها رسیدگی میکنند بحساب وزراء آنها یک ترتیب علیحده است مثلاً مجلس یک وزیر صد هزار تومان اعتبار داده است آن وزیر عوض صد هزار تومان صد و دوازده تومان گرفته در وقتی صورت حساب را میدهد این معلوم خواهد شد یعنی مقایسه میکنند این صورت حساب وزیر را با صورت حسابیکه در دفتر معلوم شده است حالا ممکن است وزیر آن دوازده تومان را در دفتر خودش بنویسد همینطور حواله بدهد دفتر ماله هم آن دورا ثبت کند که برود مثلاً فارس آن دوازده

تفتیش و تطبیق میکنند بدمهم همان عبارت را ثانیاً که مطابق نمودند با دخل و خرجی که وزراء طبع کرده اند یا حسابهای دفاتر وزارتخانهها و رسیدگی را در این ماده ارجاع کرده ایم بکمیسیون و البته دیوان محاسبات بیکار نمی ماند لابد یک چیزی برای باقی میماند مقصود بنده این بود که در اینجا تصریح شد که مقابله خواهد شد یعنی باید تصویب شود که کمیسیون تفتیش بکند و ثانیاً اینکه حدودی که برای کمیسیون معین می کنیم در ماده بعد در مقابله حساب وزراء جزء بجزه خواهد آمد تمام را باید کمیسیون رسیدگی کند حالا مختارند عقیده بنده اینست که کار دیوان محاسبات راهم چندان نباید کم کرد.

**فهم الملک** - مذاکره می شود تمام راجع بپاده بوده است ما هنوز داخل آن نشدیم بجهت اینکه حساب کل ماله یک خلاصه است از همان حسابی که وزراء طبع و نشر کرده اند و همان حسابها صحیح است و در وزارت ماله هم همانطور نگاه داشته اند که وزارت ماله رسیدگی کند حالا در تکالیف کمیسیون و تفتیش باید معلوم شود.

**آقا میرزا ابراهیم قمی** - اینجا میگوید حسابهای کل ماله مقابله و تفتیش خواهد شد دیگر نمی گوید کی تفتیش خواهد کرد و باید بنویسد کمیسیون دوازده نفری تفتیش خواهد کرد یا اینکه اصلاً جزء آن ماده میشود.

**رئیس** - رای میگیریم کسانی که با ماده ۴۸ بطوری که کمیسیون تصویب کرده است موافقت دارند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و با کثرت تصویب شد).

[ماده ۵۰ لایحه وزیر قرائت شد کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود (ماده ۴۹) وزیر ماله در آخر هر سال باید تشکیل یک کمیسیون دوازده نفری مرکب از اعضاء مجلس و دیوان محاسبات از حضور همایونی استدعا نماید تکلیف کمیسیون مزبور بقرارداد ذیل است:

تعیین و ختم نمودن روزنامه و دفتر کل وزارت ماله در آخر سال.  
[ثانیاً] تطبیق نمودن حساب های دخل و خرجی که وزراء طبع کرده اند و دفتر محاسبات مرکزی هر یک از وزارتخانه ها.  
[ثالثاً] تطبیق نمودن صورت محاسبات کل ماله با دفتر کل وزارت ماله.  
[رابعاً] رسیدگی بدفتر کل محاسبات بوسیله که در دست است از قبیل مقابله دفاتر مزبور با روزنامه و سایر دفاتر اداره محاسبات کل و یا نتیجه حساب محاسبین جزء.  
خامساً- نوشتن صورت مجلسی که حاکی کیفیت امر بوده و باید طبع و بوزارت ماله و مجلس شورای ملی داده شود.

ملاحظه بفرمایند آن ایراد را رد مینمایند دیوان محاسبات هر قدری را که میکند آن دقت بر میگردد برای یک اطمینانی که مجلس شورای ملی میخواهد اما یک نفر دیگری هم هست که او هم لازم است یک قدری از اوضاع مملکت باخبر باشد و آن شخص پادشاه است شخص پادشاه هم البته باید قدری مطلع باشد که تا اینکه در موقع انتخاب رئیس الوزراء بتواند از روی دانستن رأی بدهد حالا بچه وسیله چه ترتیب باید اطلاع داشته باشد این ماده اشاره بان آنست که وزیر ماله باید در آخر هر سنه ماله تشکیل یک کمیسیون ۱۲ نفری را مرکب از اعضاء مجلسین از حضور همایونی استدعا و از این راه اورسیدگی کند و اطلاع حاصل نماید و برای او هم یک اطمینانی حاصل شود از اینکه امورات امسال مملکت از روی یک حسن اداره و محاسبات آن بموجب بودجه مرتب گذشته است و آنچه بنده تصور میکنم اگر در این ماده تأمل شود اشکالات آقای حاجی سید ابراهیم تا اندازه ای باقی نمی ماند و رفع میشود و همه وقت باید در نظر داشته شد شخص پادشاه هم یکی از اشخاص است که صاحب حق است و تا اندازه ای از اوضاع مملکت باید اطلاع داشته باشد.

**بهجت** - اینکه اینجا نوشته شده است تشکیل کمیسیون که از مجلس میخواستم مستفسر بشوم که بچه ملاحظه است نظارت در امور دولتی البته مختص است بمجلس این بدیهی است و حالا عرضی که میکنم نظر باین نیست که صلاح چیست لکن حالا میخواهم یاد آوری کنم که در موقع وضع قوانین جزء باید همیشه ملتفت باشیم و اینکه بعضی اعضاء این کمیسیون از مجلس سنا انتخاب شوند عیبی بحسب ظاهر ندارد الا اینکه یک نفری بی تناسب میشود برای اینکه نظارت در امور ماله دولت چنانچه عرض شد مخصوص شورای ملی است و اما اینکه اسم دیوان محاسبات را در اینجا می آوریم صحیح است برای اینکه دیوان محاسبات در معنی یک اداره است که در تحت نظر مجلس شورای ملی تاسیس میشود و یک سمت اختصاصی بان دارد ولی اسم سنارا در اینجا آوردن بنده بچه چوچه مناسب نمی دانم بواسطه اینکه تفتیش و نظارت از وظایف مختصه مجلس شورای ملی است و دیوان محاسبات هم تاسیس میشود در تحت نظارت مجلس شورای ملی [پیشنهاد آقای سید حسین اردبیلی بعبارت ذیل قرائت شد:] چون تفتیش و مواظبت در امور ماله از خصایص مجلس شورای ملی است لهذا بنده پیشنهاد میکنم که عوض «مجلسین» در ماده ۴۹ فقط مجلس شورای ملی نوشته شود.

**حاج عز الممالک** - یک قسمتی از تکالیف این کمیسیون فراموش شده است و بنده در کمیسیون مذاکره کردم و در اینجا هم یاد آوری می نمایم و آن تطبیق حساب وزارت خانههاست با دفتر حساب کل وزارت ماله و یکی رسیدگی بحساب خود وزارت خانههاست با دفتر مخصوص خودش و در آنجا تطبیق نمودن حساب های وزارتخانهها را با دفتر مرکزی خودش نوشته است اما تطبیق آنها را با دفتر کل وزارت ماله قید نکرده باید نوشته شود.

**حاج سید ابراهیم** - اینکه از حضور همایونی استدعا می نماید زیادی است همین طور نوشته شود که تشکیل یک کمیسیون ۱۲ نفری را از اعضاء مجلس

هم لازم است عرض کنم و آن اینست که قید شود که اعضاء این کمیسیون از مجلس سنا و مجلس شورای ملی و دیوان محاسبات بالسویه انتخاب شود.

**حاج وکیل الرعایا** - بنده جدی ندارم که این ماده مقبول شود ولی نظریاتی که دارم لازم میدانم عرض کنم آنوقت آقایان بآورد میکنند یا قبول مینمایند عرض میکنم مجلس شورای ملی و کلای ملتند اما مجلس سنا سی نفرش بموجب قانون اساسی از طرف دولت انتخاب میشود و کلای دولتند و فقط سی نفر دیگرش از طرف ملت انتخاب میشود ولی ما نمایندگان چون بقرآن قسم خورده ایم که بخصوص حقوق شخصی پادشاه را حفظ کنیم باین ترتیبی که اینجا نوشته شده اگر بالاخره بهمین رأی گرفته شود که مادخلات مجلس سنا را لازم ندانیم و اطلاع همایونی و تقاضایش را لازم ندانیم تصور میکنم که بنده یکی از آن اشخاصی باشم که نتوانم بان رأی بدهیم و تصور میکنم که آقایان باید ملتفت باشند که ما اینجا وکیل هستیم لکن مجلس سنا سی نفرش از دولت هستند و همیشه باید ترازی در که داشته باشد یک کفه همیشه بالاست.

**فهم الملک** - راجع باین قسمت که تقاضای تشکیل کمیسیون است برای تطبیق محاسبات عرض میکنم که این تقاضا را فقط وزارت ماله نمیکند بلکه هیئت دولت باید این خواهش را بکنند و رئیس قوه مجریه و هیئت دولت پادشاه است هیئت دولت از حضور همایونی درخواست میکند و او تشکیل یک کمیسیون فوق العاده را برای رسیدگی باین کار می خواهد والا این مطلب یک چیز فوق العاده نیست که ما بخواهیم برای شاه معین کنیم شاه رئیس قوه مجریه است و این مطلب حق اوست.

**مؤتمن الملک** - من معنی این پیشنهاد را ملتفت نمیشوم برای این که معین است که وضع مالیات و نظارت و تفتیش در امور ماله از وظایف مختصه مجلس شورای ملی است و بنابر این مجلس شورای ملی کسی دیگر نمیتواند وضع مالیات کند و اینکه از دیوان محاسبات باید برای این کمیسیون انتخاب شود برای این تاسیس و انتخاب می شود ولی این دلیل این نیست که از مجلس سنا هم یک عده برای آن انتخاب شود برای اینکه نظارت در امور ماله صحیح است و ربطی بمجلس سنا ندارد ولی مجلس سنا نظریات خودش را میتواند اظهار کند چنانکه یکی از اصل های قانون اساسی که حالا درست در نظر نیست که کدام است می نویسد هر قانونی که در مجلس وضع میشود می رود بمجلس سنا نظرات خود را در آن اظهار میکند ولی مجلس شورای ملی مجبور نیست که اظهارات و رأی مجلس سنارا قبول کند حالا این کمیسیون هم می رود کار و تفتیش خود را میکند و رأی آنرا بمجلس شورای ملی می دهد و این قانون را از روی قانون فرانسه نوشته اند و در آنجا هم وضع مالیات اختصاص بمجلس شورای ملی دارد با وجود این این ماده را خودشان منافی ندانسته اند با اختصاص وضع مالیات بمجلس شورای ملی معنی اینست که در آخر هر دوره عمل می

**فهم الملک** - تصور میکنم که حضرت والا عریض بنده را بد تفسیر کردند بنده عرض نکردم تفتیش حق شاه بمجلس سناست عرض کردم که دولت این معارج را کرده است در آخر هر دوره عمل می

**بهجت** - اولاً خواهش میکنم آقایان وقتی که قانونی از مجلس میگردد آنقدر نفرمایند که قانون فرانسه فلان قسم است آنقدر (فنااتیک) نیستیم که ضدیت با قانون داشته باشیم خود آقایان هم که اطلاع دارند و اظهارات اطلاعی میکنند میدانند که

گوید بیاید حساب مرا برسید رئیس هیئت دولت کیست شاه است او باید بگوید بیاید حساب را برسید وزیر مالیه رئیس الوزراء و رئیس الوزراء بشاه میگویید آنوقت شاه تشکیل یک چنین کمیسیونی را میخواهد که باین حساب رسیدگی کند در خدمت مجلس سنا عرضی ندارم که بنده از آنها انتخاب بشود یا نشود ولی این عرض را که کردم برای این بود که هیئت دولت باید بر رئیس خود که شاه است اطلاع بدهد آنوقت شاه بخواهد که آن هیئتی را که قانوناً باید انتخاب شود معین کند که بیاید بحساب ایشان برسند و اینکه عرض کرده باشم تفتیش حق شاه است.

**منتصر السلطان** - در اینجا ذکر کرده که هر قانونی که از مجلس شورای ملی میگردد و میرود بمجلس سنا نظریات رأی آنها در آن باب معلوم میشود آنوقت ثانیاً بر میگردد بمجلس بنده اینرا تصدیق میکنم ولیکن در اصل ۱۸ قانون اساسی امور ماله تمام واگذار شده است به مجلس شورای ملی و ابتدا مجلس سنا حق دخالت و رسیدگی و تفتیش و امثال آنرا ندارد و اول سنا بر افراد ملت در خارج حق دارد که کتابچه را که نوشته اند نگاه و رسیدگی کند نه اینکه او هم شریک و سهیم باشد در این حقوق باین معنی در اینجا گفته شد که ما قسم خورده ایم بقرآن که حقوق پادشاه را نگاه نداریم بنده عرض میکنم البته باید حقوق شاه را نگاه نداریم ولی اگر بهمان قرآنی که قسم خورده ایم معتقد باشیم باید این حق باین معنی که قانوناً بمجلس شورای ملی داده شده است از دست ندهیم و واگذار بمجلس سنا نکنیم.

**آقا محمد** - بنده فقط عرض راجع باین عبارت پنجم است که نوشته شده است [خامساً نوشتن صورت مجلس که حاکی کیفیت امر بوده و باید طبع و به مجلس شورای ملی داده شود] این عبارت اجنبی از مقصود می نماید خوب است اینطور نوشته شود «خامساً نوشتن صورت مجلس این کمیسیون که حاکی کیفیت امر بوده الی آخر ماده» والا این عبارت از مقصود اجنبی است.

**آقا میرزا احمد** - بنده مکرراً عرض می کنم که راپورت کمیسیون مخالف (اصل ۱۸) قانون اساسی است و هیچ نمیشود در آن رأی داد و اینکه آقای مؤتمن الملک می فرمایند که دیوان محاسبات هم همانطور است پس چطور شد که او حق دارد و مجلس سنا حق ندارد و بنده عرض می کنم که دیوان محاسبات یک اداره است که بحسب قانون در تحت نظارت مجلس تاسیس میشود برای امور بودجه و محاسبات مملکتی و این هم یک کمیسیونی است که مجلس معین میکند برای رسیدگی بحسابات وزراء و در این صورت حق دارد که یک عده از اعضاء آن را از دیوان محاسبات معین نماید ولی مجلس سنا با لکل خارج است از ترتیب ماله و بحسب قانون هیچ حق مداخله ندارد.

**بهجت** - اولاً خواهش میکنم آقایان وقتی که قانونی از مجلس میگردد آنقدر نفرمایند که قانون فرانسه فلان قسم است آنقدر (فنااتیک) نیستیم که ضدیت با قانون داشته باشیم خود آقایان هم که اطلاع دارند و اظهارات اطلاعی میکنند میدانند که

ماهم آنقدر بی اطلاع نیستیم در سایر ممالک هر چه قانون اساسی شان حکم کرد همه باید اطاعت کنند خواه شاه باشد خواه آن ادنی تبهه تیما ما هم در مقامیکه یک چنین قانونی را وضع می نمایم باید این ملاحظه را داشته باشیم و بدانیم که یک چنین قانونی که از مجلس گذشت باید بموقع اجرا بیاید و نباید هزار گونه عیب و اشکال در آن باشد و این یک کلی است که عرض می کنم که باید در کلیه قوانین این نظر را داشته باشیم و خواهش می کنم که در جواب بنده نفرمایند که در نزلان جاهم همینطور است برای اینکه قوانین سایر جاها ربطی بقوانین مملکت ما ندارد چه قانون اساسی و چه قوانین مملکتی و مدنی و غیره اما اینکه مذاکره میشود از مخالفت با قانون اساسی بنده عرض نکند مخالف قانون اساسی است عرض کردم مخالف تناسب قانون اساسی است که بگوئیم یک عده از اعضای این کمیسیون از مجلس سنا انتخاب شوند و بنابراین که قانون اساسی اختیار امور مالی را واگذار کرده است به مجلس شورای ملی و مجلس سنا را بالکلیه محروم کرده است و همچنین دیوان محاسبات را حق داده است که در جمع و خرج حسابهای وزراء رسیدگی کند ممکن است بگوئیم که این کمیسیون مرکب باشد از اعضای مجلس و دیوان محاسبات ولی از مجلس سنا که بهیچوجه حق مداخله در امور مالیاتی ندارد بهیچوجه مناسبت ندارد که بگوئیم یک عده برای این کمیسیون انتخاب شود و این مثل اینست که بگوئیم یک عده هم خوب است از بدلیه انتخاب شود برای اینکه ما قسم خورده ایم که حقوق پادشاه را حفظ کنیم و هیچ فرق ندارد با اینکه بگوئیم پس یکی دونفر هم خوب است از انجمن های ایالتی و ولایتی انتخاب شود اینها یک چیز بی تناسبی است و این قوانین را که ما داریم وضع میکنیم که قوانین جزء و قوانین مدنی و ملکی است باید مطابق قانون اساسی باشد و متناسب باشد و این چیزهایی را که ما مذاکره می کنیم یک چیزهایی است که هیچ تناسب پیدا نمی کند باینجه بنده خواهش میکنم از آقایان که در راهیت مجلس سنا وارد نشوند که سنا چه چیز است برای اینکه اگر در این باب ما مذاکره شود لابد عرایض زیاد است و خواهیم گفت و بی جهت وقت مجلس تضییع میشود و الا مجلس سنا معلوم است که ۳۰ نفر از اعضای از طرف دولتند و نفرش از طرف ملت و در این باب کسی مخالف نیست و در قانون اساسی هم متنوش مفصلا نوشته شده و در آخر عرض خودم این جمله را تکرار می کنم که انتخاب شدن یک عده از مجلس سنا برای عضویت این کمیسیون بهیچوجه مناسبت ندارد و لازم نیست

**حاج سید ابراهیم** - بنده چون میفرمایند که وزیر مالی از شاه تشکیل این کمیسیون را درخواست میکند و کمیسیون تشکیل میشود عرضی ندارم ولی می خواهم عرض کنم چنانچه پیش از این هم گفته شد این عبارت «خامسا» - نوشتن صورت مجلس « یک قدری بی ربط است خوب است اینطور نوشته شود که ( نوشتن صورت مجلس که کمیسیون در آن جلسه تفتیش میکنند )

**متین السلطنه** - آن اصلی را که آقای مؤذن الملك فرمودند گویا این اصل باشد که می خوانم اصل ۴۶ پس از آنکه سنا تمام امور باید به تصویب هر دو مجلس باشد اگر آن امور در سنا یا از طرف هیئت وزراء عنوان شده باید اول در مجلس تنقیح و تصحیح شده با اکثریت آراء قبول و بعد بتصویب مجلس شورای ملی برسد ولی اموری که در مجلس شورای ملی عنوان میشود برعکس از این مجلس به مجلس سنا خواهد رفت مگر امور مالی که مخصوص به مجلس شورای ملی خواهد بود و قرارداد مجلس در امور مذکوره با اطلاع مجلس سنا خواهد رسید که مجلس مزبور ملاحظاتی را به مجلس ملی اظهار نماید و لیکن مجلس ملی مختار است که ملاحظاتی مجلس سنا را بعد از مذاکره لازم قبول یا رد نماید ملاحظه خواهد فرمود که اینجا میگوید که قرارداد مجلس در امور مذکوره با اطلاع مجلس سنا خواهد رسید که مجلس مزبور ملاحظاتی را به مجلس ملی اظهار نماید ولیکن مجلس ملی مختار است که ملاحظاتی مجلس سنا را بعد از مذاکره لازم قبول یارد نماید و حالا باید دانست که در این جاهمین نوعی که گفته شد نمی خواهیم یک حق را از مجلس سلب کنیم یا برای مجلس سنا ثابت کنیم بلکه برای تسهیل امر می خواهیم کاری بکنیم که مشاخره بین مجلس شورای ملی و مجلس سنا واقع نشود بهترین تسهیل این است که از خود سنا هم یک چند نفر در این کمیسیون باشند و الا نه اینست که مقصود سلب کردن حق برای مجلس سنا باشد

**حاج شیخعلی** - بنده در اول موافق بودم با آنها که اظهار کردند که این کار از حقوق مجلس شورای ملی است بدون سنا اما حالا یک اصلی را پیدا کردم که سنا را هم قوه میدهد برای استعمار آقایان میخوانم اصل ۳۳ ( هر یک از مجلسین حق تحقیق و تفحص در هر امری از امور مملکتی را دارند تحقیق و تفحص حکم که نیست تا اینکه از حقوق مجلس شورای ملی باشد و این کمیسیون هم که خواه از سنا داخل آن باشد یا نباشد حکم که نمیکند فقط رسیدگی و تفحص است بنابراین از سنا هم میشود یک عده در این کمیسیون باشند .

**حاج سید ابراهیم** - در قانون چیزی را باید نوشت که صحیح باشد اینکه اینجا نوشته است و از حضور همایونی استعفا می نماید یعنی اگر امایحضرت همایونی این استعفا را قبول نمود این کمیسیون تشکیل نمیشود.

**فهییم الملک** - نظریات در این ماده مختلف شده است رجوع کنیم بکمیسیون که با ملاحظاتی تا نوی پیشنهاد شود .

**رئیس** - چون مخبر کمیسیون تقاضا نمود این ماده رجوع میشود بکمیسیون ( ماده ۵۱ ) لایحه وزیر قرائت شده که کمیسیون این طور تصویب کرده بود « ماده ۵۰ » دیوان محاسبات مأموریت دارد که در باره محاسبات مخارج و عایدات عمومی که هر ساله محاسبین جزء بدیوان مزبور میدهند رسیدگی و حکم دهد .

**حاج سید ابراهیم** - بنده عرض می کنم این قانون محاسبات عمومی است نه قانون دیوان محاسبات و این ماده ۵۰ و ۵۱ چون راجع بوظایف دیوان محاسبات است باید در آن قانون نوشته شود و هیچ مناسبتی ندارد که ما در این جا بیائیم تعیین وظیفه دیوان محاسبات را در این جا بکنیم اختصاص باین مواد و این ماده ندارد باید جنبه ماده دیگر هم که راجع بوظایف دیگر دیوان محاسبات باشد در اینجا معین بکنیم پس نوشتن این دو ماده در اینجا هیچ مناسبت ندارد و باید در آنجا نوشته شود

**فهییم الملک** - این راهم باید ملاحظه فرمائید که این قانون محاسبات عمومی هم قانون دیوان محاسبات است و ما اینجا شروع کردیم ابتدا از ترتیب تعیین بودجه بعد شروع شد با اجرای آن در ضمن حساب هائیکه باید حاضر کنند و طبع و نشر شود تا رسیدیم به تفتیش آن حالا تفتیش هم که تا اندازه راجع است به مجلس معلوم میشود که بچه قسم خواهد بود بعد لایحه قانونی تفریح بودجه هم شرحش می آید حالا شرح این دیوان محاسبات چطور عمل میکند و مقاصد میدهد مبسوط در قانون خودش ذکر میشود ولی برای اینکه در اینجا ترتیب یک دوره جریان بودجه از ابتدا تا اختتام ذکر شود لازم بود که در ضمن این ماده بطور کلی نوشته شود .

**مشیرالدوله** - میخواستم عرض کنم این جا می نویسد که دیوان محاسبات رسیدگی کرده و حکم میدهد وقتی که بقانون دیوان محاسبات رجوع میکنیم می بینیم که در آنجا طور دیگر نوشته شده و با این ترتیب تصور میکنم که این ماده ناقص است و نمی توانیم به آن رای بدهیم بجهت اینکه خالی از سه حال نیست دیوان محاسبات وقتی که به حسابی رسیدگی میکند آن شخص یا باقی دارد یا فاضل یا مساوی است در صورتیکه مساوی باشد مفاسد می دهد در صورتیکه یا فاضل داشته باشد حکم میکند پس در تمام موارد دیوان محاسبات حکم نمیدهد و چون این ترتیب مفصلا در قانون دیوان محاسبات نوشته شده تصور میکنم که این ماده هم با آن قانون ضمیمه شود .

**فهییم الملک** - در آنجا هم لفظ مفاسد حذف شد و در هر سه حالت حکم نوشته شد و این را خود آقای مشیرالدوله پیشنهاد کردند که لفظ مفاسد حذف شود برای اینکه دیوان محاسبات یک هیئت قضائیه است و در هر موردی باید حکم بدهد

**حاج سید ابراهیم** - اینکه آقای مشیرالدوله فرمودند که خوب است اینطور نوشته شود بنده عرض میکنم الا اگر بنا بشود که ما وظیفه دیوان محاسبات را در این قانون بنویسیم اشکالات دیگر تولید میشود خوب است در اینجا فقط نوشته شود که این محاسبات و رسیدگی با دیوان محاسبات است موافق ترتیبیکه در آن قانون نوشته شده است بجهت اینکه اگر غیر از اینطور بنویسیم و در آنجا شاید بر بخوریم بیاره موادیکه مجبور شویم حذف کنیم یک عیب دیگری هم که دارد اینست که این ماده سبب میشود که اینها یعنی وظایف دیوان محاسبات عمومی با هم

مخلوط می شود و اسباب تولید اشکال می شود پس خوب است همانطور که عرض کردم بطور کلی اشاره بشود که به ترتیبی که در قانون محاسبات نوشته شده است .

**کاشف** - بنده هیچ منافاتی نمی بینم در اینکه این ماده در قانون دیوان محاسبات نوشته شده باشد و در اینجا هم ذکر شود بلکه نوشتن آن چنانکه آقای مخبر گفتند در اینجا لازم است برای اینکه یک دوره جریان بودجه در اینجا ذکر شده باشد.

**حاجی عز الملک** - بنده هم عرض میکنم چون اینجا قانون محاسبات عمومی نوشته می شود راجع بکمیسیون تفتیش و غیره باید صحیحاً در اینجا اسم ببریم و توضیح کنیم و این که اینجا گفته می شود که چنانچه در قانون دیوان محاسبات نوشته شده است لازم نیست در اینجا ذکر شود بنده این را صحیح نمی دانم بجهت اینکه بدیهی است که هر اداره یک قانون مخصوصی خواهد داشت که وظایف و تکالیف آن اداره را در آن خواهد بود ولی ضمن تعیین آن وظایف مطالبیکه راجع به اداره دیگر می شود بطور اجمال باید اشاره شود پس در موقع ذکر تفتیش آن چیزیکه راجع می شود بدیوان محاسبات ناچاریم بگوئیم و بعقیده بنده بودن این ماده در اینجا لازم است ( در این موقع ) پیشنهادی از طرف آقای آقا شیخ ابراهیم زنجانی بعبارت ذیل قرائت شد بهتر اینست که این ماده اینطور اصلاح شود محاسبین جزء باید صورت عایدات و مخارج عمومی را بدیوان محاسبات برای رسیدگی و دادن حکم بدهند .

**رئیس** - هر کس این پیشنهاد را بطوریکه خوانده شد تصویب میکند قیام نماید ( جز چند نفر کسی قیام نکرد و رد شد ) ثانیا ماده ۵۰ با تبدیل کلمه ( محاسبین جزء ) بصاحب جمعهای نقدی قرائت شد .

**حاج سید ابراهیم** - بنده تصور می کنم این که بجای محاسبین جزء صاحب جمعها نوشته شده است صحیح است ولی نقدیش زیاد است برای اینکه ما صاحب جمعهای جنس هم داریم و دیگر اینکه نوشته شده است که دیوان محاسبات حکم می دهد عقیده ام این است که زیادی است چرا بجهت همان اشکالی که آقای مشیرالدوله کردند که دیوان محاسبات در تمام موارد حکم نمی دهد .

**فهییم الملک** - دیوان محاسبات آنچه که بدست محاسب می دهد از سه حال بدر نیست می گوید فاضل یا اینکه مساوی است و غیر از این مقصود دیگری ندارد و این هر سه اش حکم است حالا چیز دیگر را اگر تصور می فرمایند بفرمایند که رفع اشکالشان بشود اما در خصوص صاحب جمعهای جنسی که می فرمایند در وزارت مالی صاحب جمعها دو قسم هستند یک قسم صاحب جمعهای نقدی و یکی صاحب جمعهای جنسی آنهاست هستند که دارائی دولت از قبیل املاک یا اشیاء غیر منقوله دولتی در دست آنهاست ولی جنسی که از قبیل غله و سایر چیزها باشد اشخاصی که آنها را دارند در حکم صاحب جمعهای نقدی هستند و صاحب جمع جنس با آنها اطلاق می شود آنوقت کمیسیون تفتیش که در ماده قبل گذشت تشکیل می شود و مطالعه می کند و دیوان محاسبات هم رسیدگی می نماید و بعد از رسیدگی دیوان محاسبات چه می شود باید یک راپورتی بحضور همایونی تقدیم نماید در ضمن معاینه را که در محاسبات وزراء مشاهده کرده است به مجلس شورای ملی پیشنهاد می کند و در حقیقت این ماده انتهای همان ماده است و لازم است در اینجا ذکر شود .

**افتخار الواعظین** - بنده اشکال آقای حاجی سید ابراهیم را ملتفت نمی شوم می فرمایند دیوان محاسبات چون یک قانون دیگری دارد هیچ اسمی از آن برده نشود این معلوم است که این قانون محاسبات عمومی مملکت است باینکه در آن ترتیب حساب دهنده ها و گیرنده ها و سایر محاسبین جزء مأمورین مالی و بعد نتیجه محاسبات به کجا پیشنهاد شود و اگر عیبی و نقصی در آن دیده شد چه باید بشود تمام باید در ذیل آن گفته شود و یکی از مأمورین و مفتشین دیوان محاسبات است .

البته باید وظیفه او هم بطور کلی در اینجا گفته شود و چون در ماده قبل « محاسبین جزء » بصاحب جمع های نقدی تبدیل شد و در این جا هم بنده خواهش می کنم این شکل نوشته شود که دیوان محاسبات از زوری استاد و حسابهای که صاحب جمعهای نقدی می دهند تا اینکه مطابق شود با ماده قبل **آقا شیخ غلامحسین** - در ذیل اصل ۱۰۲ قانون اساسی می نویسد « دیوان محاسبات مأمور به معاینه و تفکیک محاسبات اداره مالی و تفریح کلیه محاسبین خزانه است و مخصوصا مواظب است که هیچیک از فقرات مخارج معینه در بودجه از میزان مقرر تجاوز ننموده تغییر و تبدیل نپذیرند و هر چهی در محل خود بمصرف برسد و هم چنین معاینه و تفکیک محاسبیه مختلفه کلیه ادارات دولتی را نموده و اوراق سند خرج محاسبات را جمع آوری خواهد کرد و صورت کلیه محاسبات مملکتی را باید بانضمام ملاحظاتی خود تسلیم مجلس شورای ملی نماید » در ذیل یک ماده دیگر قانون اساسی نوشته شده است که اختیارات و اقتدارات سلطنتی فقط همان است که در قوانین مشروطیت حاضره تصریح شده و باین ترتیب که ان نمی کنم بودن این ماده صحیح باشد .

**فهییم الملک** - این جمله ( به حضور همایونی تقدیم می نماید ) خوب است حذف شود ولی باقی صحیح است .

**حاجی سید ابراهیم** - بنده تصدیق نمی کنم فرمایش آقایان را و مرا قانع نکرد برای اینکه اگر ده ماده از تکالیف دیوان محاسبات را در این جا بنویسند و بگویند راجع ب ماده پیش است بنده عرض می کنم آنچه راجع بوظایف دیوان محاسبات است در اینجا نوشته شود برای اینکه آن خودش یک قانون علیحده دارد فقط باید در اینجا اشاره شود باینکه دیوان محاسبات موافق قانون خودش رسیدگی خواهد کرد و این جزئیات هم که ذکر شده لازم نیست .

**بهجت** - مقداری از عرایض بنده گفته شد ولی همیقدر عرض می کنم که این طور این ماده را مبهم گذاشتن هم صحیح نیست باید توضیح شود که رفع اشکال بشود و الا از این جا هم بطور مستفاد می شود که دیوان محاسبات هیچ ربطی به مجلس شورای ملی ندارد .

**حاج شیخ اسدالله** - این عبارت مخالف

است با عباراتی که در قانون اساسی است ولی باقی ماده که میفرمایند از وظایف دیوان محاسبات است باید نوشته بشود .

**سلیمان میرزا** - همان طور که مخبر تقاضا کردند اگر جمله (بعضو همایونی تقدیم مینماید) حذف شود میسراند که رایرت را به مجلس تقدیم خواهند کرد برای اینکه در ماده ۵۴ این قانون در باب لایحه قانونی تفریح بودجه به مجلس می نویسد « لایحه مزبوره باید شامل صورت قطعی تمام اعتبارات و عایدات و مخارج دوره مقننه بوده و نتیجه قطعی معادلات کن بودجه آن را تصریح مینماید و مستندات آن صورت های ذیل است ۱ - صورت حسابهای وزراء و حساب کل مالیه ۲ - صورت مجلس کمیسیون تفتیش ۳ - رایرت سالیانه دیوان محاسبات پس اگر آن لفظ همایونی از این جا حذف شود دلالت می کند بر اینکه این رایرت را باید به مجلس بدهند (ماده ۵۱ با تبدیل جمله « محاسبین جزء » به « صاحب جمعهای نقدی » قرائت شود)

**فهییم الملک** - در این ماده نقدی نباید نوشته شود همین قدر نوشته شود صاحب جمعها « و اینکه در ماده قبل نوشته شد برای این بود که گفتگو در حکم دادن دیوان محاسبات بود و در این جا در رسیدگی دیوان محاسبات است و او فقط بنقدی رسیدگی نخواهد کرد بلکه در جنس و نقدی هر دو رسیدگی می کند و همین قدر = نوشته شود « صاحب جمعها » کفایت می کند و دیگر آنکه بجای « بعضو همایونی تقدیم می نماید » نوشته شود به مجلس شورای ملی تقدیم می نماید اشکالات رفع می شود .

ماده ۵۱ دیوان محاسبات از روی اسناد و حسابهاییکه صاحب جمعها می دهد به حسابهای وزیر - مالیه و سایر وزراء رسیدگی نموده و در ضمن رایرتی که به مجلس شورای ملی تقدیم خواهند کرد مطابقت حسابهای وزراء را با بودجه که از مجلس گذشته است تصریح می نماید و نیز در رایرت مزبور میبایستی معاینی که در محاسبات مشاهده نموده و اصلاحی که بنظر می آورد پیشنهاد می نماید .

**رئیس** - رأی می گیریم بر این ماده ۵۱ بطوریکه خوانده شد کسانیکه تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - بقیه این شور میماند برای جلسه آتیه - آقای آقا سید حسین اردبیلی سئوالی داشتید از وزارت فواید عامه بفرمایید .

**آقا سید حسین اردبیلی** - بر حسب تصویب مجلس چنانکه در جزء یکی از قواعد گذشته است باید ترتیب معاملات دولتی بمزایده و مناقصه بگذرد و از قراریکه بنده شنیده ام گویا در خارج اشجار باغات دولتی را بدون این که اعلام مزایده بشود داده اند و مقدار خطیری از آنها را انداخته اند و از قراریکه بنده شنیده ام از این راه یک خسارت مهمی بدولت وارد می آید از معاون وزارت جلیله فواید عامه سئوال می کنم که این مطلب آیا صحیح است

و اطلاع دارند در صورتی که اطلاع دارند تا چه اندازه درختها را انداخته اند .

**معاون وزارت فواید عامه - باغات دولتی**

را چنانچه همه آقایان مسبقاً باید اجازه بدهند و یک کسی پیدا شد و گفت من در ۱۲۰۰ تومان این باغات را اجازه می کنم بعد کمیسیون تصویب کرد که اجازه این باغات را بمزایده بگذارند این بود که جمعی آمدند و خواستند اجازه کنند و بالاخره حاج سعید السلطنه بنده هزار تومان اجازه باغات را کلی قبول کرد و بنیادش که او باغات را اجازه کند وزارت فواید عامه قرارش را با او بگذارند این کار گذشت بعد که بنیادش اجازه نامه بنویسند و شرایط آن را معین کنند حاج سعید السلطنه و طفره زد و حاضر نشد برای اینکه شرایط آن تا اندازه قبول آن مشکل بود و در آن مدت چهار ماه از سال گذشته بود و ضمیمه الدوله که در آن وقت وزیر فواید عامه بود قبول نمود و بالاخره شانه خالی کرد و قبول نکرد دومرتبه قرار شد که این باغات را بمزایده بگذارند داخل کار که شدیم معلوم شد حاج سعید السلطنه در این مدت که داخل شده بود بعضی جاها را به بعضی اشخاص اجازه داده اند و آقای صنیع الدوله چون دیدند که اگر آن ترتیبات را بخواهند بهم بزنند و دومرتبه ترتیبی برای آن بدهند یک شش هفت ماهی از این عمل خواهد گذشت و اسباب خسارت دولت خواهد شد این بود که قرار گذاشتند بهمان اشخاص از همان قرار اجازه بدهند بهمان شرایطی که حاج سعید السلطنه می خواست با آنها بکنند و باشخصیکه صورت اسامی آنها را بنده حاضر کرده ام و اگر بدقت بخواهند رسیدگی کنند ممکن است داده شود و قریب ( ۸۶۴۰ ) جمع آن شده است در صورتیکه باغ کرج جزو همین باغات بود معلوم شد که وزارت مالیه جز و خالصه جات اجازه داده است و شکارگاه جاجرود هم که اصلاً با وزارت دربار است و با وجود اینکه جزء قرارداد حاج سعید السلطنه بود مجزا کردند پس از آن میزانی که حاج سعید السلطنه حاضر شده بود از روی این عددی که در این جا می بینیم کمتر نشده است بلکه اضافه شده است و شرایط آن هم که نگاه می کنیم می بینیم که بیشتر صرفه دولت شده است در قرارداد حاج سعید السلطنه شاخه و تراش را برای خودش قرار داده بود در صورتیکه این خودش یک مبلغ زیادی میشود و در این قرار از برای دولت گذاشته اند که هر قدر سرشاخه و تراش بشود مال دولت باشد مثلاً او در قرارداد خودش مراجب و غیره را خواسته بود که دولت بدهد و در اینجا تمام با مستأجرین شده است و همچنین او خواسته بود گردش آب را برای باغات در ظرف ۱۲ روز یک شبانه روز قرار بگذاریم و ما آنرا با اینها هشت روز قرار گذاشتیم که هشت روز به هشت روز قرار گذاشتیم که هر هشت روز به هشت روز باید تمام باغات را آب بدهند اینها تمام بصره دولت قرار داده شده است و عجلتاً چنانچه عرض شد اجازه کلیه باغات ۸۶۴۰ تومان شده است و اما در خصوص درختها که میفرمایند درختها را قطع کرده اینطور نیست باغبانها بیست و هشت هزار تومان از وزارت مالیه از بابت طلبهای گذشته شان مطالبه میکردند وزارت مالیه نمیداد و بالاخره بعد از مذاکرات زیاد قرار شد از بابت

دعای آنها هشت هزار تومان بدهد که هزار تومان آن را خود وزارت مالیه داد و شش هزار تومان آن را قرار داد وزارت فواید عامه از بابت فروش تبریزی هائی که رسیده است و موقع ذنشانست که آنها را بفروشد و به اینها بدهد وزارت فواید عامه هم همینکار را کرد مأمور و مفتش فرستاد و تمام آن درختها را از روی کاغذ و نمره که هر کس برود ممکن است رسیدگی کند و موقع انداختن آنها هم بود انداخت و به موقع مزایده گذاشتند کسی طالب نشده تا اینکه بالاخره در دو هزار تومان قبول کرده اند و هنوز یکمقداری هم از آن هست و قریب هفتصد تومان هم درخت خشک است که باید بزنند و آنها هم که بریدند وزن خروار و غیره آن معین است ولیکن اینها هیچ کدام بطوری که خارج از حساب باشد نیست و فقط تصرفی که در آنها شده است این است که برای ساختن و بنای مدرسه فرهنگ قبل از این که بدانیم باغات کرج را وزارت مالیه بکمپانی خالصه جات داده است بکمقداری از آنها را انداخته اند برای اینکه وزارت فواید عامه تکلیف خودش را میدانست که برای ساخت این مدرسه خیلی کمک کند و خواست که یک اندازه از آن تیرها را برای سقف و شیروانی مدرسه بدهد آن تیرها هم جزء عمل کمپانی رفته است بعد در تانی گفتند معادل چهارصد تومان بعنوان کمک معارف از درخت های باغات آنجا داده شود که از طرف وزارت فواید عامه و دولت تا اندازه کمک بمدرسه فرهنگ شده باشد بعد هم رفتند از روی ترتیب نمره و غیره معادل ۴۰۰ و خورده از آنها را معین کرده اند ولی آن درختها هنوز انداخته نشده است ولی معادل پولی که از وزیر گرفته اند قرار شده است که اینها را واگذار کنند ب تیر فروشها .

**افتخار الواعظین** - عده این درختها که میفرمایند چقدر است .

**عز الملک** - حق ندارید باین سئوال جواب بدهید .

**معاون** - عده اش هم حاضر است بخواهند ممکن است جمع بز نیم روی هم رفته قریب ۲۵۰۰ الی ۳۰۰۰ میشود ولی عده تیرش گمان نمیکنم بیش از دو هزار باشد تفصیلاً اینست که بنده عرض کردم غیر از این هم اگر بخواهید از روی دفاتر ممکن است رسیدگی شده معلوم شود .

**رئیس** - جلسه آتیه روز سه شنبه و دستور آن بقیه دستور این جلسه است ( مجلس مقارن مغرب ختم شد )

**جلسه ۱۷۹**

**صورت مذاکرات روز سه شنبه ۱۹ ذی**

**قعدة الحرام ۱۳۲۸**

مجلس دو ساعت و نیم قبل از غروب آفتاب برپاست آقای ذکاء الملک تشکیل شد .

صورت مجلس روز شنبه ۱۶ را آقای معاضد الملک قرائت نمودند .

غائبین جلسه قبل سیددار اعظم - حاج امام جمعه بدون اجازه .

حسنعلی خان - معتمدالتجار - صدرالعلماء - حاج شیخعلی خراسانی - دهخدا - حاج سید نصرالله با اجازه .

مستشارالدوله - ممتازالدوله - وحیدالملک - آقا شیخ حسین یزدی - دکتر امیرخان - مشیرالدوله